

این ایام برای تکبیل عمده وکلا مجدداً انجمن نظاری تشکیل شده که عوض یکتفر وکیل شهر و سایر وکلای بلوکات را انتخاب نمایند گویا قبل از تشکیل این انجمن نظار ماموری ملا عباس نام برای انتخاب وکیل یکی از بلوکات حرکت مینماید و در عقب آن دو نفر از کاشتگان شریتمداری باطرف آن بلوک رفته اسم وکیل را تلقین رعایا مینماید و مطابق دلخواه انتخاب میشوند پس از مراجعت مامور در انجمن قبول نمیشود و باز مجدد میروند و مجدد همان شخص وکیل میشود تا بالاخره انجمن نظار حایه تشکیل میشود و از قرار معلوم باز همان مقدس وکیل شده است، خداوند مبارک نماید معلوم است عضویت انجمن ولایتی اگر بوظایف مقرر عمل شود خیل شرافت دارد و همه کس مایل است عضو انجمن شده در خدمت ملت دادمردی دهد در این صورت باز باید گفت پس اعضاء محترم باید مقام شرافت خود را باهمال در موارد قانون از دست ندهند و مردم را مایوس و ناامید نخرمایند و افلا اجراء اصلاحات را حمایت نمیکنند حمایت هم نخرمایند تا شاید خداوند ترحمی بفرماید اما ایالت جلیله یا حوزه وزارت داخله آنچه در این اواخر از تلگرافات وزارت داخله بایالت جلیله معلوم میشود حکومت بشراکت بوده یعنی در ضمن انعقاد قرار شده است که مدخول حکومت ما بین بنی اتمام و طایفه امیر منجمنی تقسیم شود و علاوه بر آنکه این عمل مخطا بوده تصور آن هم جنبی برستی فکر بوده است زیرا در دولت مشروطه حکومت دخل نباید داشته باشد تا چه رسد تقسیم آن، و اینکه حکومت را صاحب دخل و دخل آن را هم قابل تقسیم دانسته اند چیزها از آن استخراج میتوان کرد که برشتنش چندان لطیف ندارد همین قدر باید بناله و این زیاد زد، جان ای مصادره مور افتخارات حاکم را بواسطه طمع و آز و حرکات باقه از دست ندهید خیل شرافت تحصیل کرده بد و این شرافت را هم خیل گراش خریده اند بگذارید بخواهش های بی معنی یکبارہ زائل شود باری آنچه معلوم میشود بنی اتمام ایالت جلیله در طهران از عدم تقسیم مدخول حکومت بمقامات

و کمبودی که ما بین ایالت و سردار نظر در نحو و جوشش بود و بعضی جهت های دیگر باعث آن شده که حضرت اشرف صمصام السلطنه را از طهران برای مذاکرات لازمه احضار فرمودند و بدو هم اهالی و انجمن ولایتی تلگرافی در عانت حرکت ایشان بطهران مغایره نمودند و مناسبت این تلگراف هم معلوم نشده بعضی جهت خوش آمد و بعضی اظهار لویه و برخی بدون سبب و انجمن هم برای رودربایستی تلگرافات متعدد نموده و مترنم نشد و تلگرافی از وکلاء اصفهان آمد که عانت اهالی و انجمن بخصوص از حرکت ایالت صحیح نیست در هر حال پنج روز قبل حضرت اشرف حرکت بطهران فرموده و معروف بلکه محقق است سلطان محمد خان سردار اشجع که برادر امیر مفتح است در عوض باصفهان خواهد آمد، هرگاه تقار و کمورت خواهد بود باین ترتیب برطرف بشود بلز راهی بجای میبرد ولی اگر با این تقسیمات و شرکتهای باز همان دو روزها و مخالفتها که مایه ناامنی نصف ایران است درمیان باشد دودها باز سر جای خود مانده و علاجی بیدار نیست

اعتناش اطراف قط بواسطه صولت و سورت سرما قدری تخفیف یافته است و الا هیچ اقدامی در اقامه امنیت از هیچ مصدری بروز نکرده عمده استنشاش طرف جنوب و غارتگریها از ایل بوبر احمدی بظهور میرسد، صولت الدوله این ایل را در تحت سلطه بختیاری میداند و انتقام آن را هم بعهده رؤسای آن ایل میداند این رؤسا هم اهمیتی باین غارتگریها نمیدهند معلوم است پیش آنها این مطالب خلاف عادت نیست

راه قم و طهران چندی امنیت داشت ولی این چند روزه در نزدیکی قم یک گاری که تقریباً دو هزار و پانصد تومان نقد در آن بوده دزد مقولی زده و بوطا را برده اند گویا مال اداره اوزمانوف است، دردها خیل است معجونی باید بکار برد که رؤساء عشایر باهم منفق شده بحال برای شکست یکدیگر امنیت جنوب را مختل نسازند اگر صوبه شمال تا امن و امان شود و یکی از زوایای جنوبی نالمن بماند باز برای توقف قشون بیگانه بهانه در

ولی قط و سینه اینست که کار ایران و انتخابات آن را فیصله تواند داد امروز دست‌های خارجی منتظر آن است که مابین دو نفر ایرانی آثار اختلاف و تقار مشاهده نماید فوری یکی از آنها پهلوئی یکی و آن دیگری پهلوئی آن یکی دیگر افتاده آتش اختلاف را باد زنند و با استادی تمام این آتش را کم کم ایران سوز و ملت کش نمایند

اتفاق و اعتلاف رؤساء عشایر محال است ولی میتوان بتدابیر عملی آن تقار و سكدوت روز افزون را بخوی کم نموده و بحاجه ابواب کینه و تقار را تا میشود مسدود نمود چون کار از این چیزها گذشته عرض میدکنم برای اسکان ایل قشقایی چاره جز این نیست که ایل بختیاری را همرازو نگاه بداریم و آن قدر حاکمیت ندهیم که دیگران زیر بار نروند درست است زحمت اجر دارد ولی این گونه اجر علاوه بر آنکه آن زحمت را ضایع می کند برای اضطلال آن دسته مواد فاسده هم تهیه مینماید

این هم از بدبختی ایران است چند نفر سردار هم که پس از قریباً در مهد وطن تربیت میشوند و با اقدامات غیورانه چشمهای دیا را بطرف خود شان متوجه میدارند تا نصف راه درست میروند و از آنها هر یک راهی و سلیقه مخصوص اختیار مینمایند که زحمت گذشته آنها نیز بهدر رود، گاهی که در فضای وسیع خیال غوطه میخورم محسوس می بینم که هرگاه سرداران ملی پس از فتح طهران کینه مرکب از حضرت سیدار و حضرت سردار اسعد و مصمص السلطنه و ستارخان و باقرخان و ضرفام السلطنه و معز السلطانت در مرکز طهران تشکیل داده و اسم آن را «کینه مجاهد» گذاشته بودند و مسلک خود را همان مجاهدت در پیشرفت و استعظام اساسی مشروطیت قرار داده در کارهای رساله دولتی وارد نشده بودند، و همان اسم و هیبتی که در تمام دنیا حاصل کرده نگاه میداشتند از آن طرف جناب ناصرالملک هم برای استحضار کاملی که از بولتیک ایران دارند بسمت مستشاری در این کینه وارد میشدند، و مقام ریاست روحانیه آیت‌الله خراسانی و طرز تدبیرانی را هم اچنانچه از دایره معمول بود در

نماند گروه محکم و آراسته و دور از آلائش مسئولیت ملی و ملی نگاه می داشتند آنوقت بختیار محکم از این کینه مینخواست در عرض ده روز چهار کینه ایران را امن و امان نگاه دارد، یک انگار از این کینه هر حاکم مقرد و هر مجتهد متخذا را سر جای خود مینشاند یک پیام این کینه زهره هر وزیر مقدر را آب می نمود یک بروست شادرو از این کینه چشم بخی متجاوزین را بحساب می اداخت چرا؟ برای اینکه آن کینه مزگ بود از قوای ملی و فواید مذهبی و دیانت و فواید علمی و تا همه جامبتوانست برود و همکاری می توانست بکند بی اگر بود خوب بود حالا که نیست

حالا سرداران بچه خیال یا بچه ناچاری قبول خدمت سکرده و بالاخره پس از استفسار نمی دانم بچه ملاحظه قبول نشده و بچه خیال آنها دوباره راضی شده اند، و بچه میزانت هر یک بستگان خود را که تا دیروز برای محمدعلی میدوبند بحکومت منصوب داشته و برای چه حکومتها را بشراکت باین آن بخشیده اند و بچه ملاحظه حکومات ایالات را مابین خود محصور کرده اند، هیچ نمی فهم خیر نمی فهم

شاید برای آت است که دست نشاندگی های اجاب با یک لهجه مستزانه باین و آن فرمایند، خیر این همه میاهو برای ریاست بود، این همه اشتها برای اغراض شخصی بود، این همه برای پول بود شاید برای آن است که ارتجاعیوت برای عقاید خود دلیل و برهان محکم و متین بدست بیاورند، که خیر باز همان که پیش بود بهتر است، شاید برای آن بود که ملت را مایوس و کار تنازع حیلت را خانه بدهند یا شاید برای آن است که ملت با یکدسته از وکلا بر علیه وزراء و سردارها بارتق تشکیل دهند در هر صورت هیچ نمی فهم

تقسیم افواج مابین خوانین و کشتن سر تیپانست نابالغ بر سر افواج و حکم علی در تقسیم مدخول حکومت از روی چه فقه و زینت است، میظنوم اهلای یزد با داغهای ایران بفرمان نمی سوزند و می سازند و با پورتیهای جنگجویی هم در روزهای

محفلت مأموره و در کمال آسایش و رفاهت
آن شیراز هم منویند و نصرالدوله خلعت نایب
الایاه کی پوشیده قین است در اینصورت سران
تفتاب آرام می نشینند و قرائل بین شیراز و اصفهان
درست تردد خواهد نمود

کاشان هم در تحت فشار نایب حسین قانی ،
امام قلی خان سرپب مشغول دعا گوئی هستند
اصفهان هم سکه حالتی معلوم است ، مأمور
اردستان جلو بمقصر می دهد ، و اولیاء امور محال
(فریدن) باج بدولت نمی دهند، زمزمه آن است که
خریدن جزو چهار محال باید بشود و درجرفیای
جدید اصفهان هم یکی از توابع چهار محال است
و خیل چیزهای دیگر، اینها چیست و ملت خواهی
کجا رفت ؟ برای چه آنها توقع از طبقات سافه
ملت داریم ؟ چرا علما را هوای هندوستان بر
نیفتد، چرا هوا تاریک است؟ برای چه جاده کم است
هان يك راه امیدواری که خیلی تاریک است
و باید خود را نسلی داد و محکم ایستاد این است که
پس از افتتاح مجلس کارها درجبرای قانون خواهد
افتاد اینهمه تا ملایبات در قبل از مجلس و از راه
ناچاری بوده حالا بیست چاره جویان با کمال صباحت
جلوه کرده و کابینه وزرا تعیین و کارها بر مراد،
وقت تماشای اقدامات و موقع طلوع سعادت ایران
است ، و همانطور که تا امروز که عمر مجلس به
پنجاه روز رسیده منتظر اقدامات مستید حرق نداریم
تا اول حمل هم منتظر بنشینیم تا عجمائاً نظامنامه داخلی
تمام شود و لوایح قانونی کابینه وزرا به مجلس بیاید
و فرصت مذاکره هم باشد ، به بینم راه سعادت
از کدام نقطه شروع میشود و تا ملایبات را چگونه
علاج میزنمایند

خبر اخبار یسار

يك قهره خبرخونی که باید سابقاً عرض شده
باشد و بمناسبتی به تاخیر افتاد احداث بهسکباب
مکتب به نام دبستان حیره است مطابق بروگرام
مدارس ملی طهران و این دبستان بهمت نایبالحکومه
سابق و غربا و بعضی آقایان بومی تأسیس شده
لکن همراهی شایانی از آقایان بومی نشده مطابق
قانوننامه دبستان قرار شده است پانزده نفر از ایام
چرا محلاً تعلیم و تربیت چنانچه امید است که نتایج

حینه مخفد

اغتشاشیکه منظوم بود حادث شود جناب
اکرام الملك کار گذار مهام خارجه بحسن تدبیر و
نصایح و کین تادوجه را بر طرف نمودند لکن تادولت
علیه بینه استمداد صحیحی برای این ناحیه نتوانند
این امنیت با خود و یلثیک همایه جنوب حکم
نقش بر آب را دارد

امیر حشمت الملك در ۲۹ ذی حجه وارد شد
پس از ورود حکومت به ایشان محول شد در بدو
امر وعده برای اصلاحات امور خصوصاً عمل نشون
و همراهی به دبستان خیلی نموده اند لکن تا بحال
بواسطه بعضی موانع نتیجه نه بخشیده هر وقت اقوالش
به وقع اجرا رسید عرض خواهد شد

قابل توجه وزارت مالیه و امور خارجه
من دون مقدمه بطور ساده می نگارد، بلجیکها
مدتهاست در کرکات ایران با مواجب های گزاف
مستخدم و مانند دراز نویسان به عنوان مختلفه
(حیره و مدد معاش و کرایه منزل و مخارج طویله
و تفاوت خوبی و بدی محل مأموریت و غیره) از
دولت موظف میباشند که از روی راستی و درستی
خدمت نموده چشم طمع از مایهات دولت پوشیده بهان
حقوق خود اکتفا نمایند، اسوس که بواسطه بی علمی
و بی خبری اولیای امور همینکه دیدند برشی درکار
نیست و اداره کرکات در بست به تصرف خودشان
و همه نوع تقویت هم از ایشان میشود برادر وار
دست بی رحمی را دراز کرده به انواع و اقسام
تقلبات آنچه را که خواستند کردند

هرگاه ایرانیهای وطن پرست مستخدم این اداره
تعبیر را کنار بگذارند از اعمال و افکار هر يك
کتاب مبسوطی میتوانند ترتیب بدهند

تا چندی محاسبات بزبان فرانسه نوشته میشد
و رسیدگی آنها برای مصادر امور اسباب عسرت
بود حال متجاوز از چهار سال است که يك سواد
فارسی ترجمه ضمیمه محاسبات شده از تمام ادارات
کرکات بطهران فرستاده میشود در این مدت کدام
رسیدگی را کرده و کدام مخارج را تفتیش نمودند
باز هرچه را که میباشان است به حساب نوشته به
خرج میدهند

الحاصل قریب يك سال است که مجدداً اداره

تفتیش تذکره با کرمات شده است. آنچه زوار و مسافر از سرحدات شمالی عبور و مرور میکنند غالباً پول روسی همراه دارند و در اولین نقاط سرحدی باید تادیه حقوق نمایند مأمورین تفتیش هم بنا بر حکم رؤسای مرکزی اجازه ندارند که منات روس را پیش از بختراں یعنی به قیمت آن حساب کنند، مسافری هم محض رفع معطلی ناچاراً به میل مأمورین حقوق خود را داده و میروند، در آخر هر ماه آنچه پول روس در سرحدات جمع میشود باید در بسته علیحده مستقیماً بعنوان خود رئیس مرکز ارسال دارند، آن رئیس متدین هم آنها را به بانک مراحجه فروخته قیمت فروش تمبر را به پول ایران محسوب داشته تفاوت هرمنات را که اغلب پیش از نیم قران است مثل راحت الخقوم بلع نموده اسمش را تفاوت عمل و در تمداد حقوق به عناوین مختلفه محسوب میدارد

حال حساب میزان این تفاوت عمل و عده سرحدات شمالی و جمع عایدات سالیانه را بعهده اهلیت میدگذاریم که رسیدگی نموده خدمت بلجیکها را به دولت معاینه فرمایند

باز بدنام ایرانی بیچاره است که اغلب همین متمدین در طی صحبت خود اظهار میدارند (ایرانی دزد ایرانی منقلب) مگر خداوند ایرانی بیچاره را از این اتهام بیرون بیاورد قلب هم خوب است از روی علم باشد که ده سال قلب بکنی نه کسی به پرسد و نه بدنام باشی

نگارش یکی از دانشمندان

بزیارت اخبار مقدس شماره (۲۳) چشم روشن شد در افتتاح اخبار در تحت عنوان اغتشاشات ایران و جرائد اروپا شرحی مرقوم شده که علة العلل اغتشاشات مرکز است، بالاخره تا اینکه در آخر مقاله می نویسد که سردار اسعد در جنوب و سپهدار در شمال بر اقتدار خود می افزایند، سردار اسعد خود را وکیل انگلیس و سپهدار خود را وکیل روس میداند و یکی از دانایان با سیاست تبریز که در قوسولخانه روس ملازم و ایرانی است محرمانه به نگارنده اظهار داشت که مرکز مایل نیست قشون روس از فشار آذربایجان باز ایستد اللهم الی آخر مقاله اگرچه حبل المتین این اخبارات پلنگی را تودید و

ود فرموده محتاج به تشریح نیست برای بعضی جهالت اهالی آذربایجان و طهران شاید امر باشنیده بگذرد امروز اطفال دبستان طهران بر این پلتیک های خشک میخندند البته اغلب سیاسی دانها می دانند که دولت های خارجه همه از منهل واحد آب میخورند هر وقتی در موقع بمقتضای حال رجال را مأموریت میدهند حق دولت انگلیس که اول مخترع سیاسی میباشد بوقت در هندوستان میخواستند جذب قلوب نموده مردم را از دولت امیدوار نماید بک فرما فرمائش مأمور می شود که در تمام مدت مأموریت ۴ ساله بخوا خواهی رعیت هندوستان و آزادی و حریت و مساوات آنها سخن میگوید مانند (لارد منتو) بوقت باید آنها را سرعوب نمود، فرمائش برخلاف مسلک اولی مأمور می شود، چون (لارد کوزن) بهمچنین پارلمنت باقتضای وقت از طایفه صلح خواه یا جنگ جو انتخاب می شود دولت شمالی نیز در تمام افعال و اعمال مقلد دولت جنوبی است اشخاص کار آزموده برای این کار دارند و بزبان های نرم و جرب نوع خواهی کار خود را پیش می برند و نمایندگان مأمور می نمایند، امروز چند نفر از روسای بزرگ ایران مثل سردارین و ستارخان از دل و جان حاضرند برای حفظ استقلال ایران و سایر رؤسای مجاهدین غیور که جان و مال را بر کف نهاده همه جور قوه کار دارند میخواستند به پلتیک آنها را بدنام و منفور ملت نموده سبب بقای قشون روس و انگلیس را نسبت بآنها بدعند و آنها را سبب دانند، ستارخان را تا بکدرجه خواستند جان قلم داده متدرجا رؤسا نیز دلتنگ شده کنار و استعنا نمایند و کلیه ایلات و روسا را بهم انداخته تا ریشه یکدیگر را در آورده بدست خود خود را بآنها سیارند، دلیل بزرگ ما همان اظهارات شخصی سیاسی دان ملازم قوسولخانه است هیچ سفیه نمی آید اسرار دولت را که مستخدم است فاش نماید و قنوی بر این مطلب دهد، اهالی آذربایجان و رؤسای ایلات و سرداران ملی را واجب است که از سیاسی رجال شمالی و جنوبی خارجه که سابقاً در مدارس سیاسی درس خوانده حدیث نمایند و اتفاق را پیشه نمایند باین تمایز قریب نغورده تمام نیک خود را آبدار باقی نگذارند تا دشمنان

فراق را از میان بردارند و الا مرکز گول خورد
چنان آنگه که مرکز برنخیزد تاریخ افغانستان و قتل
هزار ها سردار و امیر را بدست یکدیگر بخوانید
جد عرت گیرید

؟ ای سپهسالار اعظم ، ای سردار اسعد ، ای
حکومت الدوله ، ای قوام الملک ، ای ستار خان ،
ای قوم روسای ایلات و اقوام ، تالله بحمد خدا ،
پایم اعظم خدا ، سلاح و حفظ جان و مال و اعتبار
و دین و ناموس شما در اتان حقیقی است و حفظ
وطن شما ، اگر نریب خوردید بوجود کائنات قسم
که تمام بدست یکدیگر کشته خواهید شد و دودمانهای
شما را بر باد خواهد رفت بالاخره ، نصف لی
نصف ک ، و الله خیرالرزقین ، در خانه اگر کسی
است یکطرف بس است

کرمان

چون در بعضی اخبارات مردم کرمان را مستبد
و جاهل میخوانند هرچه انتظار کشیدیم اخبار نگاران
یا وکلا جواب آنها را بویسند چیزی دیده نشد حال
قریب چهارماه است که همه روزه ازوزارت داخله
تلفگرافات عدیده در باب انتخاب پنجنفر وکلای
دارالشوری میرسد و هنوز معین نشده یکدفعه در
ماه شوال هشت نفر وکیل دوره اولیه شهر کرمان
را انتخاب نموده آنها را به معرفی روزنامهها و تلفگرافات
طهران اشخاص نادیده و نشنیده که یکی نه کرمان
را دیده و نه بلوچستان را تصور می نمایند چه
عبور ملکی است دارای شهرهای بزرگ و قصور
عالیه و عمارات بلور و راه شنندراست یا راه های
دور و دراز بی آبادی و بی آب سکه هزار حاکم
بلوچستان رفته بیست هزار سی هزار تومان دخل
از روپیه و نقره و شتر و گنیز و غلام برده یک
کلروانرا یا یک آب انبار در این راه نساخته آبی
جاری نکرده و همان منازل ۱۴ فرسخ و آب چاه
خشور اردوئی را سرریض کرده اردو کشی بلوچستان
همیشه محض دخل و غارت بوده هر حال یکی از
وکلائی دوره اولیه شهر کرمان لایحه در باب قانون
و مشروطه ایران نوشته مخصوصا تصریح نموده که
پایه مثل مسکومان و یزد را چند سال دیگر بهمین
حالت بگذاشت که آنها را غارت نمایند ادارات بدیده
بمیان و میان و عدلیه نمیخواهند اول مرکز و

چند شهر بزرگ را باید منظم نمایند بعد شهرهای
متوسط بالاخره ممالک کوچک دور از مرکز مثل
یزد و کرمان همه بزرگواری را میخواهند وکیل
این مملکت نمایند که این ایالت بزرگ را هنوز قابل
اداره کردن و انجمن و عدلیه و بدیه و نظمیه و غیره
نمیداند یعنی باید چند سال دیگر زیر فشار ظلم ضباط
و عمال باشد، جناب مولانا باید بدانند که مملکت
هرچه خراب تر است باصلاحات محتاج تر است شعور
و فهم و فراست اهالی بلوچستان و رودبار و
گرسبیرات کلیه زیاد تر از اهالی سرحدات سرد
سیر است، همچنین فهم یعنی قوه دراسته و شعور
اهالی کرمان زیاد تر از تمام اهالی ایران است حتی
مرکز، بعلمت اینکه صنایع هر قوم دلیل درجه
ذکوات آن قوم است قالی در کرمان تمام می نمایند
اطفال خورد سال یکذرع مربع یکسکه و بیست
تومان درخود ایران میخرند بزرگترین صنایع اروپا
را بمحض دیدن با دست می سازند قیمت کارخانه اروپا
می فروشند لکن علم در این مملکت رواج نه بوده
ظلم باعلی درجه جاری بوده اطفال بلوچستان را
بعوض تعلیم اسیر می نمایند

جناب آقای وکیل دوره اولیه خوب است
بعوض این تحقیق میفرمودند اول باید ماهورین
با علم وطن پرست مشروطه خواه بی طمع با
حقوق کافی روانه نمایند در بنادر بلوچستان و
خلیج فارس که دروازه ایران است ادارات دایر
نمایند قانون مملکت را جاری نمایند سپس در بلوچستان
که هم قابل ترقی فوق العاده هم بواسطه کمزرت
گندم و نان ممکن است افواج سواره و جاز، سواره
و سرباز و مسلم خانه و عدلیه و انجمن و غیره دایر
نموده آنوقت بکرمان به بردازند، در همسایگی نصرت
آباد انگلیس ها قانون خود را جاری عدلیه، مکاتب،
مریض خانه، دایر نموده رعایای ایران لیاقت ندارند،
مردم کرمان که اقدام با انتخابات ندارند بلکه این است
که از وجود وکلای خود بالکل فایده ندیده و بعد
از دو سال غارت و تاراج که در تمام بلوکات سارقین
فارس و کرمان یک الاغ و یک گوسفند باقی نگذارد
حتی بوجود کائنات تا ده فرسنگی آنها را بردند، حالا
که مشروطه میگویند شده است عمال و ضباط قسمی
آنها را تاراج می نمایند که در هیچ عصری این قسم

مشروطه نه بوده میزیسیدند که حکام مآخذه نمایند
حالا مشروطه است با جرئت میگیرند قانون مملکت
است از این جهت از مشروطه و انتخاب و انجمن و
وکیل گریزانند اول دخلی هم که میخواهند زیاد
نمایند عمل تریاک و مسکرات آنها نه از روی علم و
قانون و طول مدت که صدمه برکسی وارو نباید اگر
ده سال مهلت ندهند بمتادین تریاک همه ~~بمسکرات~~
میبرند دیگر کسی نیست رعیتی نماید زیرا که دو
قسمت مردم متاد بافیون میباشند

﴿ حبل المتین ﴾

يك مرده بنام به که صد زنده به ننگ

﴿ مکتوب بصره ﴾

روزنامه رسمی بصره که از جانب ولایت بصره
ضیع و توزیع میشود لثاً افتاد حضور انور شد
که ملاحظه و مطالعه فرموده و صدق گفتار و کردار
والی ولایت بصره سلیمان بنیف ، از لایحه و ورقه‌البيان
که در نعت امضاء خود رسماً طبع و اعلان کرده
بیان واقع بودن با سایر عنوانات و تلکرافات والی
مذکور که در همین روزنامه طبع است ، بر جنابعالی
معلوم خواهد شد سایر مطالب و تلکرافات والی
مدکور که راجع به مسئله هدم خانه ها و بازارها
است جهت تجدید و احداث ~~کوچه~~ و راه تازه
برخلاف قانون نامه از جلد چهارم دستور که
میخواهد به قوه قهریه به خرج تبعة دولت عثمانی
و ایرات بدهد کار ندارم ، صاحبان تبعة عثمانی
با دو دست قانون نامه استملاك از جلد چهارم
گرفته اند به مقامات عالیله فریاد می نمایند که حاضرم
موجب قانون استملاك تمام املاك علوا هدم و خراب
نمایند هرچه بخواهید بکنید و تبعة ایران هم بتوسط
کار برداز حالیه به سفارت کبرای اسلامبول شکایت
و هدم املاك خودشان را به موجب قانون استملاك
استدعا کرده اند ، گویا از مقامات عالیله به تبعة عثمانی
و سفارت کبرا به تبعة ایران جواب رسیده باشد که
موجب قانون استملاك والی باید رفتار کند ، مسئله
هدم املاك خصوصی است صاحبان املاك تبعة ایران
حاضرند تا قوه دارند بتوسط کار برداز و مامور
بصره و سفارت کبرا منافع نمایند و ما جواب
منافعه از ورقه البيان والی مشروطه خواه و حریت

بناه که میگوید چون مامور سیاسی ولایت بلوچستان
حاضر نیست و هیچ گونه عهد و مظالمه با امانت
بلوچستان نداریم بلوچی ها که در بصره مسئله پایتیه
حییج دواتر حکومت آنها را به مثل تبعة دولت عثمانی
بشکنند و راه مذاخذه قضولی در توسط بلوچی ها
بدیکزان ندهند ،

جناب آقای آقا میرزا محمد علی خان کارپرداز
حالیله بصره مراتب مضمون اعلان والی را به دواهی
حکومت به وزارت خارجه در طهران و سفارت کبرا
در اسلامبول تلگرافاً خبر داده کسب تکلیف نموده
لازمه ذمه بنده هم این بود که روزنامه بصره را
افتاد خدمت و استعدا از وجود مبارک نیام که پس
از ملاحظه دقیقانه در مراتب عبارات افکار بی علمای
والی که معلوم جناب عالی خوبمستند چنانچه تا بحال
در ارتعاع و ترقی ملت و دولت و ابناء وطن همه
نوع جد و جهد فرموده و کامیاب شده اید آنچه
لازمه ذمه خود بدانید برود مطالب والی دوجریده
فریده درج فرمائید که ابناء ملت و روساء دولت
از افکار و اعمال مامورین مشروطه نای بزورک و
کوچک دولت عثمانی مستحضر شوند ، همان قدریکه
از مامورین جنوب و شمال احتیاط دارند از مامورین
مشروطه نای این دولت احتیاط داشته باشند و آسود
نشوند و جراید اسلامی بی اندازه زحمت خودشان
در اتحاد اهالی ایران و عثمانی بدهند راه کسب و
صنعت با اهالی ایران بنمایند که صدبار بلکه هزاربار
برای اهالی بی کار ایران با قائده تر است از دوستی
و اتفاق با همسایگان طبع

جراید طهران تك تك حرف و حجت بلکه
مبالله از دوستی این دولت و ملت می نمایند ، اولاً
خوب است هر طور است روزنامه بصره را
وزارت خارجه بدست آورده مطالعه نمایند و از
افکار والی بصره درباره دولت تبعة ایران مقیمین
بصره مطلع شوند و دوم عطف نظری به بنادر
جنوب از چابهار الی بندرعباس و میناب نمایند و
بنابند که ازین چند بندر در عرض سال چند صد
خانه وار از ظلم فرمانفرماها و حاکم جا حاجطه ها و
کلانترها و کدخداهای فرار کرده آمده در بصره
به پست ترین احوال که بسببانی در ب خانه پیوسته
نصارا و اناس و چور و کشی و غارتگری و...

حرب خانه جا است بهوریت خود را میگذرانند که هر صد نفر از آن ها پنج نفر قوه ندارد. بول تذکره نهیلا، بعد، والی مشروطه خواه دندایش طمع بقیه بیکسره است که یکدویه صد هزار نفر اهالی، پیناب و بندر عباسی و بهانک و جایبار را به اسم آنکه میامده با لغارت بلوچستان ندارد به قوه اجباری فاحش عسکری باید اگر از وزیر داخله دولت عثمانی سوال شود که جناب وزیر والی شما پیا این قدر بی علم است که تا امروز نمیداند امارتی به اسم بلوچستان در هیچ یک از خریطه های دنیا کبھی ندیده و در هر خریطه که اسم بلوچستان بوده بجزو خریطه ایران بوده و خواهد بود یا عمداً و دانسته تجاہل میکند و می خواهد اسباب مضطه کاری بزورکی فراهم بیاورد، در هر دو صورت این طور والی مناسب نیست که از جانب دولت مشروطه و پادله مأمور جانی بشود، وزیر داخله نه باید جوابی داشته باشد مناسب مأمورین مشروطه و عاده عثمانی حتی است مشهور میگویند اگر کرد حکیم شد . . . باید بظار بشود نه در فن دیگر از حکمت،

جوابیکه والی به اسلامبول در حقوق مردم املاک باهالی داده است تمام بی اصل است می خواست از روی قانون عرضیه و اینیه که مغارت فاحش با قانون استملاک دارد با مردم معامله به کند در تلگرافش خواهید دید که جواب وزیر داخله و مبعوثین بصره میدهد که موجب قانون استملاک مطاعله خواهم کرد، والی بصره گویا ابدأ ملاحظه نمی کند در تحت امضاء مطلب بی اصل نوشتن را چنانچه در تحت عنوان زیارت ابن الخصب آنچه نوشته بی اصل بوده است بی هیچ وجه واقعیت ندارد، بلکه مطلب طور دیگر است که ذیلاً بعرض خواهم رسانید، این همه زحمت که میدم محض آن است که جناب عالی قریب العهد به سوء اخلاق و اعمال این مأمور بشوید و هیچ نوع امیدنی ازین گونه مأمورین نداشته باشید

سبب زیارت سیدان نصیب والی ابن الخصب و سخطی که به خواست حاجی محمود پاشا در روزنامه بصره مذکور است بعد از آنکه همین حاجی محمود پاشا بهرجهت حسن پاشا و رئیس بلدیة حاضر که برخلاف تمام اصول قانون بلدیة به ایشان برخوردی بیادبانه

تعیین و چند نفر دیگر با والی در عدم و خراب کردن املاک مردم همدست شدند اولاً وقتد قانون عرضیه و اینیه را دست آویز خود کردند از روی آن قانون قرار خراب کردن املاک مردم دادند، در مجلس اداره خراب و عدم کردن و ساختن يك راه و خیابان از عشار تا دروازه که زیادت از دو میل مسافت است و فی الجمله مخارج لازم دارد این جور مخارج ساختن راه از لازمه بلدیة است تمام ایام صندوق بلدیة بصره همیشه اوقات خالی از نقود بوده و خواهد بود، و رئیس بلدیة يك قران اعتبار ندارد که قرض کند والی تدبیری کرده که مداخلی برای بلدیة پیدا کند چند نفر ارباب تیار را که تازه از طرف شام وارد شده اند قرار داد که چند شب تیار و مجلس رقص فراهم آورد و آنچه حاصل شود به صندوق بلدیة بدهد صد هزار ورقه دعوت نامه به امضاء رئیس بلدیة طبع گردید قیمت ورقه از نیم لیره تا دو لیره تقسیم کردند چندان مقبول مردم نشد، یکشب زودتر از عید در یکی از قهوه خانه های بازاری به حضور والی و همین اشخاص که در روزنامه نامشان ذکر است مجلس تیار فراهم آمد، گویا ۱۲۰۰ لیره عایدی صندوق بلدیة شد در شب سیم عید والی ارباب تیار را مجدد همراه خودش برد به ابن الخصب و يك مجلس تیار هم در آن جا فراهم آورد ۷۵ یا ۸۵ لیره هم در آن شب عایدی بلدیة شد خواست چند مجلس دیگر فراهم آورد دید کسی بول نمیدهد مراجعت به بصره کرده خبرهای غنی که دارد خبر باو دادند ازین کار و عمر بول قابل باید نشد و مردم بعضی صحبت ها میدارند، این بود که عنوان این خط به نام حاجی محمود پاشا نوشته است که اهالی سایر بلاد بدانند که مقصود رفتن والی به ابن الخصب تاسیس مکتب و نشر معارف بوده است و حال آنکه خودش و همه اهالی بصره میدانند تمام مندرجات والی در تحت امضاء خودش در روزنامه بصره بی اصل بوده است،

مختصراً در ایام عبدالحمید يك نفر یا چند نفر مخصوص بود که بطور استبداد حرکت میکردند امروز چند صد نفر هست که بطور دلخواه هر چه به خواهند کین ما پاشا میکنند چنانچه والی بصره و پسته کلان او کرده و خواهند کرد، این راه تازه که

ظلم و فشار نه بوده است و کسی ندیده است تا بحال والی می خواهد احداث کند از خراب و مدم کردن املاک مردم بهر جهت قریب ۷۰۰ هزار لیره به اهالی و حکومت باید ضرر بزند يك دینار فایده برای حکومت متصور نیست حال چهار ماه است که تلگراف خانه خراب است درین مدت نشده که ۷۴ ساعت مختاره تلگرافی شده باشد والی خوب است اول اصلاح تلگراف و مختاره بعد به سایر اصلاحات مشغول شود ، چه هیچ کاری نیست مگر امروز بقدر تلگراف خانه محتاج الیه مردم باشد مدتی است در تلگرافخانه بصره این طور مختارات تلگرافی می رسانند شخص تلگراف میبرد مامورین تلگراف از او میگیرند و قبض میدهند با بست تلگراف به سراگر میفرستند از روزیکه اخبار فروش جهازات شطی به شرکت انگریز در عراق شیوع بهم رسانده یکی نفوذ حکومت از میان برخوایسته شده دور نیست هیجان عظیم فراهم شود ، وقوه عسکری حکومت در نهایت ضعف است هیچ نفری نمیتواند با لباس عسکری خارج از ولایت بشود و میان هیچ يك از عتبار برود در عوض مامورین حکومت از عسکری و ملکی در ولایت از ظلم و ستم هر چه از دست آنها برآید تصور نکرده و نه خواهند کرد حکومت و سلطنت به این دو وجه ظلم و ستم برای هیچ طایفه باقی نه خواهد ماند بخوانید و امر نماید

حبل المتین

ما در يك نکته با صاحب مکتوب همراه نیستیم یعنی نمیتوان بواسطه زشت کاری يك والی چشم از منافع اتحاد دولتن بیوشیم - سایر مطالب مکتوب را چند نفر موثقین اداره ، تصدیق نموده و ما هم محض توجه اولیای دولت علیه عثمانی از در جشن ناگزیر شدیم امید داریم که مجلس مجوتان عثمانی و هیئت کابینه جدید دولت مشارالیها قسمی اصلاح فساد اخلاق اینگونه مامورین را فرمایند که در آغاز مشروطیت اهالی دور از مرکز تا ایندرجه پریشان و مأیوس از عدالت تکررند و چون از سفارت کبرای اسلامبول که کنیز زاده روش می دانیم هیچ گونه امید خیر خواهی بوطن و اینسای وطن خود نداریم از وزارت جلیه خارجه طهران متنی جناب مگره زیاده بر این در حفظ حقوق

و طالبی ایران در خارجه محض عین فرمایند
مکتوب از خراسان

برای پیشرفت هر خیال صحیح امروز محتاج بيك راهی که از چند سال قبل او را از اساطیر می شردند هستیم آنخیال مقدس و آنطریق مشروح همانا نوشتن خیر ملت و صلاح امت است ، تمام عقلاء و حکماء بر آنند که توقف هر قوم در مرتبه ذلت یا تنزل آن از مقام ترقی مطلق بدین علت است یعنی آنچه را که باید بدانند و بجا بیاورند از ازیبختی عالم بر آن نکته نیستند یا اگر هم سبقند بواسطه نفاق ، جهالت ، اغراض شخصی ، کان لم یعلم مهمل و مجمل می گذارند ، در هر مملکتی ارباب قلم که سعادت ملت را در عهده قدرت قلم میگیرند و اصلاح مسایب اعمال و مفاسد وقتار و فتنام اخلاق را بدو می سپارند ، موظفند باینکه مواظف حسنه را با قوی لین و لسانی سهل وساده که صنوف متوسطه بر آن آشنا باشند بیان و تقریر فرمایند

صاحب قایان وطن ما يك مسئله که موضوع محبت قرار داده و در آن سخن میرانند اصرار را از سرحد قانون مطلب نگاری خارج و از شیوه نویسنده کی بیرون میآورند ، نه آنکه بد میکنند و حق ندارند ، هم خوب میکنند و هم حق دارند زیرا که حسن سامعه هموطنان عزیز هنوز مطوف با قال نگردیده از اینرو ارباب قلم تکرار مطالب اولیه را نموده و بر شواهد او میانزایند تا مگر تکرار موجب ایضاح و اصرار موثر طبقات منظوره شود امروز باید دو نکته بزرگ را همواره منظره چشم قراء داده نخست اینکه چه بکنیم که سعادت بدست آریم ، دویم چه سازیم که ترقی نایم اگر این دو نکته سهل و محتمل را از فرد فرد پرسند و جواب بخواهند چنانچه هموقت میگویند و مینویسند جواب خواهند داد که مایه سعادت ما اتحاد بمورث ترقی ما اتفاق است تا اتحاد نداریم تمام نقشه های ترقی ما نقش بر آب و خیال در خواب است ، خوب چه بکنیم که دارای اتحاد و اتفاق بشویم ؟ معلوم است تا خود غرضی و سوء اخلاق را کنار نگذاریم اتحاد و اتفاق که مایه سعادت و ترقی ما ایرانیان است چینی نخواهد آمد ، **کلان پادشاه**

مجلس اینک با هیئت جمعی ایرانیان قالی و رزد ، برای استقامت خود در مرکز ایالت سرآ پناهنده قونسول روس و انگلیس میشود و آنها را واسطه استقامت خویش قرار میدهد ، اینک بر سر ما که تمین حکومت را باید قونسول روس و انگلیس بکنند و مأمورین دولتی باید بتصویب آنان باشد و ما ابتدا متنبه نشویم .

دیگری برای پیشرفت اغراض شخصی خود خود را از تابان روس شمرده و کهنه بی‌نازیرا عبارت از نشانه تبعیت است در سردر خود قرار میدهد و این انفصال از اعضاء لطیفه وطن را ابداً محسوس نمی‌کند تا آنکه از طرف حکومت ایران محکوم میشود که آن علامت را از سر در خود بردارد . آندیکری بملاحظه اینک رابطه با قونسول روس داشته باشد فقط به دوستی خالی قناعت ورزیده راپورت بلژیکی و سیاسی ایران را هواره باها میرساند .

اینها تمام از علت رؤسای ما است . حکایت که منکر باشد که فقط کلاه استبداد را برداشتی و بجای او لفظ مشروطه گذاردن محیی وطن مقدس نتواند بود ، چند ماه است که دارای سلطنت مشروطه هستیم و وزراء رسماً معرفی شده‌اند و مانعی هم در جلو ندارند ولی چکار میکنند معلوم نیست ، آیا کدام مدرسه را تأسیس نموده اند ، کدام یک از اجحافات خارجه را جواب گفته‌اند ؟ کدام ملک مستقیم را اختیار نموده اند ؟ بالاخره کدام نواقص و معایب مملکت را اصلاح و برطرف داشته اند که همی بر الاستبداد و الاشتراط باشد ؟ کسی نمیداند ، ایگاش که عوض لفالی و مقدمات تربیبات فرعونی اندکی برسم میبرداختیم ، آیا میتوان گفت که جهة عدم پیشرفت مقاصد حسنه نیز از خود غرضی است و این مریض و مان که در حال احتضار است غیر از داروی اتحاد و اعان به داروی دیگر محتاج است ؟ افسوس غیر از گشتن و نوشتن نتیجه دیگر مقصود نیست ، و معلوم نه سکه چه وقت امور باصلاح خواهد شد ، و مصلحین امور ما کیانند ؟ ایگاش که در مواقع تحریر اینگونه مطالب تنفس کلوگیر میشد که اینهمه مشاهدات غم‌فزا و ملاحظاتی غصه انگیز روح را مملکت نمی‌ساخت .

از اخبار خارجه تازه بشنید اینک پیچیده زور قبل

شخصی يك جبهه سر بسته برای حاجی حسین آقا پسر ملك التجار طهرانی مآورد که این جبهه را از پاریس برای تو فرستاده اند ، بعد از شکافتن سر جبهه يك عدد بمب بسیار قوی در جوف او بوده است آورنده جبهه را توقیف و جلب بنظمیه می‌کنند فعلاً در تحت استطاق است تا معلوم شود محرکین که بوده است و برای چه بوده .

ایضاً دو روز قبل که از طرف اداره جلیله نظمییه تجدید تریاک بعد آمده کاند بی امضائی از طرف شیره کشها باداره نظمییه رسید که اگر دو اینخصوص استقامت ورزید و موافق آنچه گفته اید عمل نمائید تمام مأمورین شما را با شلول بقتل میرسانیم .

ایضاً نظار انجمن بلدی برای تجدید انتخابات تعرفه میدهند اگر خدا بخواهد

اخبارات خارجه

کابینه وزرای [یونان] مرتب [مسیودراگومیر] رئیس‌الوزرا و وزیر مالیه و [جنرال زوربیس] وزیر جنگ معین گردید

مجلس ملی [بروشیا] ۱۲ جنوری افتتاح از نطق امپراطوری که در قصر دولتی قرائت شده ظاهر میشود که ترقی تجارت از ثروت مملکت است ولی بواسطه اذافه اخراجات سال آینده کمی واقع خواهد شد ، در آن نطق بیان شده که جهة ترمیم انتخاب موده يك قانونی ممجلاً بمجلس ملی تقدیم خواهد شد ، در سنه ۱۹۱۰ [۱۹۱۸۷۰۶۴۸] لیرا اندازه دخل و [۱۹۲۴۷۰۶۴۸] لیرا میزان مخارج ، نسبت بدخل اخراجات [۴۶۰۰۰۰۰] لیرا زاید است و این مقدار و جا خالی ای وجهه استقراض خواهد شد ، در سنه ۱۹۰۸ [۱۰۰۰۰۰۰۰] لیرا و در سنه ۱۹۰۹ [۵۲۵۰۰۰۰۰] کمی واقع شده است

بموجب تلگراف [پاریس] مسیو بیسون [در مجلس شورای وزرا اظهار نمود که مسئله بانکان از انعقاد مجلس شورای ملی یونان نازک تر شده است ، دول اروپا در تدارک اصلاحات آن هستند دولت (ژاپون) (۱۰۰) میلیون (یان) قرضه داخلی خواهد گرفت و سود آن فیصد چهار خواهد بود ، قیمت سندات استقراضی آن فیصد ۹۵ اشاعه خواهد یافت ، از این وجوه ادای قروضیکه نمود

قصدی اشاء شده خواهند نمود و ازین به بعد هر استقراضی بشود به سود سالانه چهار خواهد بود
 § [امیرالبحر سرکبل] به سبب بیماری از عهده خود استعفا داد

§ روزنامهجات اسلامبول رای میدهند که قشون هر چه باید مستعد کارزار باشد چه حالت [یونان] بسیار محدودش است ، خیال آنها ایست که ورود نماینده [کریت] در مجلس شورای ملی یونان بی جبهه نیست
 § در (سومالی لند) حمله های سحت شده عده کثیری مقتول و بسیاری از ستر به غارت رفته حکومت را گمان اینست که این امور از اشاره (ملا) نیست

§ در مجلس ملی (پروشیا) مسوده قانون اصلاح احزاب پیش شد ، بر اندازه عوارضات بنا شد رای داده شود ولی باید رای دهندگان مستقیماً احزاب شوند به درجه وکلا چنانچه امروزه متداول است ، عده رای دهندگان را هم زیاد نمودند
 § مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که (مسیوگرای پریس) وزیر مختار یونان بارفت پاشا ملاقات کرده و بر اتحاد دولت (یونان) ايقان داده اراين رو با باعالي را تشي حاصل گشته است

§ وقایع سگار (طمس) از پترسبرگ می نویسد که (مسیوپلاکاش) از جرمی که بر او وارد بود خلاص شده و به سارت (بنککوک) منتخب گشت

§ وجه اطافه مصیبت زدگان (پاریس) در لندن تا کنون به (۵۰۰۰۰) لیرا رسیده است
 § (مسیو پیشون) به اداره وزراء اطلاع داده که به آفاق دول محافظ رفع نزاع دولتین عثمانی و یونان خواهد شد

§ (رجسٹک) مجلس ملی آلمان بدون مباحثه عهدنامه تجارتی را با دولت امریکا منظور کرد
 § جمیع روزنامهجات (سوی آنها که طرفدارشاند) برخلاف مسوده قانون اصلاح انتخاب (پروشیا) سخن میرانند

§ بموجب تلگراف اسلامبول اعلیحضرت سلطان وجه مخارج شخصی يك ماهه خودشانرا در وجه قوای بحری اعطا فرموده اند

§ بندهات استقراضی دولت جمهوری (بریزل)

ببود فیصدی چهار مبلغ ده ملیون لیرا از قرار فیصد مشتاد و همت و نیم اشاعت یافت
 § استقراضی (بلغاریا) حقه ذکرش در دوم فروردی شده در انگلستان اشاعه یافت

§ تلگراف (پاریس) ظاهر میدارد که هیئت وزرای فرانس از مجلس ملی مبلغ بیست ملیون فرانک درامداد به مصیبت زدگان سیلاب استمداد نموده است

§ پادشاه (سویدن) بمرض استسقا مبتلا و دیشب دوکتران شکم وی را نشتر زده اند

§ تلگراف (پترسبرگ) ظاهر میدارد که سیر دولت انگلیس دولت چین را آگاه کرده که دولت مشارالیه بدون مشورت دولتم روس و ژاپون و بغیر اینکه حفظ حقوق آنها بشود برای تعمیر راه آهن (جنگو - ایگن) هیچگونه اقدامی ننواید کرده جریده (طمس) می نویسد که از این ابراز اتحاد دولت انگلیس در (پترسبرگ) اظهار مسرت زیاد نموده شده

§ (دیلی میل) می نویسد که ممکن است (لارمولی) از وزارت هند کناره کشی نماید (لاردرکروی) فرمانبرما هند را نمی خواهد قبول کند ، شک نیست که (لاردرکچنر) قائم مقام (لاردرمنو) خواهد شد اگر حکومت با فرقه ایبرال باشد
 § (ستر اسکویت) وارد لندن شد

§ معنون است که بعد از نطق پادشاه انگلستان اول بودجه موضوع بحث پارلمان خواهد شد چه وضع مالیه دولت انگلیس خیلی خوفناک است

§ رودخانه (سین) باز رو بطغیان و در (پاریس) دوباره سیلاب جاری است

§ بموجب تلگرافات امید میرود پادشاه (سویدن) ۱۵ روزه صحیح شود ، نایب السلطنه کی وایعه بد گویا فقط برای سه هفته خواهد بود

§ باعالي امیرالبحر دیگری را بجای (امیرالبحر کبل) از دولت انگلیس خواسته است

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده ظاهر میدارد که مجلس ملی امریکا (کاندل پری) را بعهده (ویاو اد میرال) منصوب نمود

§ بموجب تلگراف قاهره شورای خصوصی منعقد تا بر مسوده عهد نامه جدید (آبنای سوریه) که

در باره از دید مدت خواسته غور شود و الاحضرت
خدیو اظهار داشتند که وزراء به هیئت جامعه اتفاق
بخارند که این عهد نامه منظور شود ، اگر چه در
این خصوص لازم نبود که خدیو با مجلس مصلحت
تباد ولی این امر چون اهمیت زیاد داشت لازم
شد حسب صلاح دید مجلس باشد

§ کابینه وزرای دولت (اسپانیا) استعفا داد -
(سکاتور کانا لیباس) مأمور شد که ترتیب کابینه
جدید بدهد -

§ مخبر (روتر) از (بیکن) خبر میدهد که
جر عهدنامه (چین و ژاپون) درباره پست خانهها
دستخط شد - بموجب آن شش اداره پست
(منچوریا) را دولت ژاپون بتبصه خود نگاهداشت
هیئت چین بذریعه راه آهن جنوبی منچوریا گرفته
خواهد شد

§ (دیوک و دجس آف کنات) بسمت (نائ
قوبی) رهسپار گردیدند

§ (جنرال جنزی) - باز فرانسوی که از (مارسل)
بطرف (الجریا) میرفت در ساحل (میجورکا)
غرق شد از عبریان او فقط یک نفر سلامت است
§ بر جہاز (جنرال جنزی) فرانسوی ۸۷ مسافر
و ۱۷ خلاصی بودند فقط دو نفر سلامت رسیدند

§ (مولا حفیظ) حبیلی ایذا به دولت فرانسه
میرساند ، بعد از محاربات چند ماهه که با دولت
فرانسه داشت منکر از دستخط نمودن بر معاهده
قرضه شده ، و چنان خبر میدهند که معلم له توهین
به هیئت نظامی فرانسه نموده

§ (مستر اکویت) رئیس الوزرای انگلستان در
(برابین) با اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاقات
کرده و تا یک ساعت گفتگو نموده مراجعت بلندن
نمود و در لندن با (مستر جارج لاید) ملاقات کرد
§ ظام می شود ~~که~~ (مولی حفیظ) اگر چه
معاهده قرضه را با کمال طیش و غضب قرائت نمود
ولی بالاخره اظهار داشت که غور و تأمل بر آن
کرده امضا خواهد کرد ، و از توهینیکه به هیئت
نظامی نموده معذرت خواست

§ تلگراف (کایسا) ظام میدارد که قنصل
مولد محافظ به حکومت (کریت) نوشته اند ~~که~~
پنج نوع حکومت (کریت) ~~بجای~~ پست در مجلس

مبعوثان یونان شرکت کند ، هرگاه نماینده (کریت)
به (یونان) برود ، دول محافظ مداخله خواهند کرد
§ بنگ فرانس به کذالت دولت متبوعه خود
موازی چهار میلیون لیرا بدون سود مدت ۵ سال
به کار حاجات کوچک که در سیلابی ضرر بآنها
رسیده بعنوان قرض میدهد تا مشغول بامور خود
شوند ، بنگهای دیگر هم اقتدا نموده اند
§ بطریق رسمی اعلان یافته که تتررات بموجب
ذیل فیصل یافت

§ (دیلی نیوز) مینویسد که استقرار (لارد کچنر)
به فرمانفرمان هند هنوز همین پست

§ مطون است ~~که~~ (مستر چرجیل) بجای
(مستر کلادستون) وزیر خاکی مقرر شود

§ رودخانه (سین) باز رو بطغیان گذارده مجلس
ملی فرانسه (۲۰) میلیون فرک اعانه منظور کرده
§ سندات استقراضی (بلغاریه) زاید بر نصف
آن فروش رفت

§ بین دولتی روس و آستریا در خصوص (بلقان)
محاربات جاری و امید است که خوف رفع شود
دولت را رای این است آزادی همین طریق موجوده
برقرار اند این خبر مورث خوشنودی و مسرت ده
صوئیه شده است

§ مجلس ملی (کنادا) که (۱۰۰۰۰) لیرا در
وجه اعانه مصیبت زدگان پاریس وعده کرده بود
به (مسیو یشون) عاید گردید

§ سک فرانسه به کذالت دولت متبوعه خود
موازی چهار میلیون لیرا بدون سود مدت ۵ سال
به کار حاجات کوچک که در سیلابی ضرر بآنها
رسیده بعنوان قرض میدهد تا مشغول بامور خود
گردند ، سگهای دیگر هم اقتدا نمودند

§ طغیان رودخانه (سین) دارد کم می شود -
سلطان (مراکو) هزار فرانک در وجه اعانه
مصیبت زدگان فرانس داده

§ تلگراف (هندکاتگ) ظام میدارد که قشون
تعمیم یافته به اصول ژاپونی بلوا کرده حکومت
تقیب بلوایان نموده و صد نفر را هلاک کرده است
حکومت هنگکنگ رسماً اعلان داده که در موقع
انقلاب ذمه داری سلامتی باشندگان خارج را نمیتواند
نمود کشیشان و عملیات راه آهن (کولون کنستان)

پناهنده به (امیرالبحر لجن) شده اند
 § تلگراف (سنگاپور) ظاهر میدارد که بسبب
 طغیان آب دریا خط راه آهن (بینسور) تا
 چند میل ارجا کنده شده است
 § قاتل [برنس ایتو] را حکم اعدام صادر شد ،
 و یکی از دو نفر همراهیان او محکوم به حبس سه سال
 و دیگری يك و نیم سال شدند
 § قونسل [کنستان] تلگرافاً خبر میدهد که
 اعتشاش محدود است به داخله و خارجه محفوظ اند
 § در [پتسبرگ] شالوده اولی مسجد نهاده شد
 از تمام مملکت روسیه مسلمان حاضر و [امیر بخارا]
 که زمین مسجد را هدیه کرده بود نیز سمت اشترک
 داشت در این مسجد [۵۰۰۰] نفر میتوانند جمع شوند
 § در (پاریس) اعلانی جاری شده مینویسد که
 در (واداتی) یکصد و نه نفر (پساول سنگالی)
 و يك دسته از سرباز جماعت اتحادیه کشته شده
 قط چند نفر از سرباز جنف بدر برده و جمیع
 اروپائیان که آنجا بودند نیز بقتل رسیدند فوج کک
 مرستاده اند تا باعیان را سزا دهند

§ (مستروبولت) وارد (ویلنگتن) گردید ،
 و با پذیرائی شایان استقبال شد

§ مخبر (روتز) از (پکن) خبر میدهد که
 دولت ژاپون به دولت چین نوشته که در تعمیر خط
 راه آهن (چینی فو، ایجن) عذری ندارد مشروط
 بر اینکه دولت ژاپون هم شریک با دولت چین باشد
 و مجاز بر امداد مالی و جنسی و حتی تقرر مهندس
 ژاپونی نیز داشته باشد ، وقت مباحثه تفصیلاً بیان
 خواهد شد

§ (دوکتز کاول کوم) به وقایع نویس (روتز)
 اظهار داشت که خوف آست تمام اهالی (افریقا)
 مذهب اسلام اختیار کنند زیرا که هر جا که کشیشان
 میروند و عاظم و تجار مسلمان هم آنجا رفته ترغیب
 به اسلامیت میدهند ، عده مسلمانان تقوی برعیسائیان
 نموده و هر روزه دارند در شوارع آنها مزید میشود
 در این باب افسران فرانسه و انگلیس خیلی
 متفکر اند

تلگرافات روتز راجع بایران

(۲ صفر - ۱۴ فروردی)

§ مخبر روتز از طهران خبر میدهد که دولتی

روس و انگلیس درباره قرض چهارصد هزار لیره
 فردا جواب خواهند داد ، ولی با آن شرایطی که
 آنها میخواهند دور نیست مجلس ملی ایران زیر بار
 قبول نرود - خاصه در این موقع و نجسبکه مجلس
 دولتی روس و ایران پیدا شده است

(۵ صفر - ۱۶ فروردی)

§ مخبر روتز از طهران خبر میدهد که سفرای
 دولتی روس و انگلیس ارائه داده اند به وزارت
 خارجه ایران شرایط خودشان را در باره قرض
 چهار صد هزار لیره که میخواهند بدهند

(۹ صفر - ۲۰ فروردی)

§ تلگرافاً از طهران خبر رسیده که کابینه وزرا
 لازم دیده اند تعدیل شرایطی که برای استقراض
 دولتی پیش نموده اند - تجار بزرگ طهران از
 مجلس مقدس ملی خواهش نموده اند که قبول نکند
 این قرضه را ، و اگر بدهند قبول کردن این قرضه
 با این شرایط خسارتی بر ملک و ملت وارد میآورد
 حاضرند ایرانی ها در قبول مالیات جدید

جلالتین

چه قدر همایگان ایران ملت و دولت ما را
 ناآشنای سیاست دیده اند که درین موقع افروختگی
 اهالی ، شرایط استقلال ویران کن پیش میبایند ، و
 چه اندازه ایرانیان را بول دوست تصور کرده که
 در چنین وقت میخواهند چشم و گوش ملت را
 قبول این جزئی وجه استقراضی ببندند ، ولی سهو
 عظیم کرده ، چه این پلنیک طشت از بام اوتاد است
 و ما تا کنون بهمان عقیده اولیه خویش باقی هستیم
 که وکلا و وزرا زیر بار این استقراض شرف براد
 ده که حکم سم قاتل را دارد برای اعتبار آیند دولت
 در يك استقراضی بزرگ که ناگزیر از آن هستیم
 نخواهند رفت خصوصاً در صورتیکه ملت بطول و رعبه
 در رفع احتیاج دولت زیر بار قبول يك مالیات تازه
 میرود ، گمان نمیرود با اضافه دخل دولت و تخفیف
 در مصارف و رسیدن نوروز که موقع حواله دادن
 اقباط مالیات است دولت محتاج باستقراض این قبیل
 وجه باشد ، مگر آنکه تصور شود که دستهای غیبی
 ساسی است که هر نحو نتواند این سم حلال را
 در کام ملت بریزد و گویا حالا دیگر ملت این
 نکته را دانسته تن برخاسته خواهد داد

جل الثمین کلک

مڈیکل کالج استریت نمبر ۴

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۱ صفر المظفر ۱۳۲۸ هجری

مصادف با

۲۸ فروری ۱۹۱۰ میلادی

و کلا حق اخذ ایرو بدون لایحه و کتبی
(مخترین را لایحه مخصوص سال مقدم دست نیا دد)
(نما شان بری فضاغی میشود)

نامه مقدسه

المبتدیان

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

معروف اداره درج نمیشود

قیمت اشتراك

سالانه — شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۰ قران

عثمانی و مصر

۳ جیدی — ۳ جیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

که در سن چهل سالگی هم تنها و یا در اوطاق تاریک می ترسند و می لرزند، و هرگز خواب شان نمی برد اغلب عقاید ما در حق خودمان از همین قبیل است مقصود از مثلی که از ولتر کشیده شد مسئله مذهبی نیست، بجهت اینکه مذهب ما نه بقیده ما که اهمیت ندارد چون مسلمان بار آمده ایم بلکه بقیده تمام عقلا بهترین مذاهب است، و می توان گفت که نصف فرنگستان امروز مذهب اسلام را بر مذهب خودشان ترجیح می دهند، باین معنی نصف فرنگستان امروز لامذهب است، و ربوبیت مسیح را منکرند، و همین جهت کم کم (لیبر یانسور) زیاد شده و تمام آنها در وقت مذاکره و مباحثه می گویند مذهب اسلام ترجیح همه مذاهب دارد، یکی از دلایله آنها بر ضد مذاهب مسیحی که خیلی ساده و شیرین است این است که می گویند و به مسیحیون بکنه می گیرند که تعداد زن را بر مذهب اسلام ابراد می گیرند در صورتیکه خودشان تعداد خدا و خلاق خود را از ارکان مذهب خود می شمارند

بلی بعلت همان خیالات واهی است که از طفولیت در کله های ما منقش شده که ما ایرانی ها تمامی عذرات متصوره را در وجود خودمان مریا و در وجود ملل دیگر مدوم می دانیم از همین قبیل است که ملت غیور ما هستیم، ملت نجیب ما هستیم و غیره و غیره

چرا هیچ فکر نمی کنیم

وقتی که يك ساعت نه برای محاکمه مذاهب بلکه برای تحقیقات دو مذهب خودمان و مقایسه آنها با مادات سایر ملل خود را خارج از ایران و توران تصور کرده بودیم که در کله های ما منقش شده

لایحه مرکز اتحاد و ترقی از پاریس
(ولتر) معروف می گوید برای اینکه انسان بدون هیچ قسم ملاحظه در مذاهب مختلفه تحقیقات نموده و رجحانیت یکی از آنها را بر دیگران بدلائل عقلی بر خود ثابت نماید لازم است شخص در میان اهالی یکی از آن مذاهب نشوونما نکرده باشد بلکه باید که شخص قاضی نه تنها اهل يك مملکت بلکه اهل این دنیا باشد، و از آسان بدون خیالات واهی و امراض شخصی نزول کرده و باز با محاکم هیچ يك از این ممالک نگذارد، و محلی داشته باشد خارج از تمام ممالک، تا در آنجا بتواند دوست همه مذاهب را بنظر بی طرفانه دیده و نیک و بد آنها را بسنجد و آنوقت راتی که از روی ادله و براین خواهد داد راتی است محکم و البته هر طور باشد هر کس مذهب خود را قبل از مباحثه همه مذاهب ترجیح می دهد، و یا اگر در صورت مباحثه همیشه هم با وجود ادله و براین محکم طرف مقابل خیالاتی که از کودکی در کله انسان جا گرفته است مانع از این خواهد شد که بطور کامل حقیقت امر را دیده و حق را حقا معترف بشود، مقصود از این بسفیری و کبری اینکه انسان بالطبع گاهی در مسائل مهمه و غیر مهمه بطوری اشتباه حاصل می کند و اگر اشتباه هم نکرده باشد باندازه عادت يك خیال و يك مطلب واهی می نماید که يك قوت فوق العاده می خواهد که افکار و عقاید انسان را در آن باب اصلاح نماید، مثلاً هر يك از ماها میدانیم که تا بیست و سی چهل ساله بلکه تا آخر عمر حکایت (لولو ظهور خود) و بری و دیو هنوز در کله طما جاگیر است، و همین که در کله های ما منقش شده

بنیم که شرایط غیرت و نجابت اگر در خون ما بوده است بدبختانه در اعمال ما هیچ اثری از آنها نیست. عادات عالیّه ما بدبختانه و این جاری است که يك ديگر دروغ بگوئیم و هیچ يك از انبای وطن خود اطمینان نکنیم و يك ديگر را گول بزیم و بد قولی و بد زبانی و بد عملی را از عادات حسنّه خودمان بخرج بدهیم باندازه که میان اشخاص با شرف و با غیرت که البته پیدا میشوند و آدمان بی شرف و بد قول در مجالس و محافل ما چندان تفاوتی نیست. آیا می دانید که در فرنگ خلوت این دو فرقه چقدر است؟ در مثل با غیرت رسم است کسی را که يك بار دروغ گفت و یا کسی را که يك دفعه از او خیانت دیدند ديگر او را به مجالس و محافل راه نمیدهند، و بسی وقت میشود که مرنگین این گناهها مجبور بر مهاجرت بلکه باندازه مردود اقلوب میشوند که خودشان را می کشند. آیا در مملکت بیچاره ما هم این طور است؟ در نجابت ما و مانجیبی سایر ملل همین قدر کافی است که يك ولایتی را در ایران آب میبرد یا زلزله منهدم می کند و هیچ اعانتی در حق اهالی فلك زده آنها نمیشود در صورتیکه «بی آدم اعضای يك دیگرند» ورد زبانت تمام ما نجیب هاست، برعکس سیلی بیاریس آمده و جیبی را فقط بی خانه و بی سرمایه کرده. اگر دولت و ملت فرانسه سی و چهل میلیون برای اعانه آنها داده است مسئله نیست ولی از آنچه ملل مانجیب ديگر نسبت فرانسه کرده اند ایرانی های نجیب باید سرمشق بردارند !!! که تمام ملل يك دل و يك جهت بسدا آمده و از اعلا و ادن لازم يك قران تا هزار تومان جمع کرده و از هر مملکت متصل بول است که برای مصیبت زده گان فرانسه میزنند، هر کس روزنامه های فرانسه را می خواند می داند چه طلی است و ماها چقدر آدمان نجیب و عقب مانده هستیم در صورتیکه هفت ماه قبل در حوالی بروجرود زلزله سختی شد و سیصد قراه منهدم گردید و هزارها نفوس که بی آدم و اعضای ما بودند هلاک شدند و ما ملت غیور و نجیب ابداً بروی زرگواری خود نیاروردم

تحقیق در امور - و فداکاری
درست فکر می کنیم می بینیم که عیب ملی ما این است که هیچ فکر نمی کنیم و همیشه بدون مأخذ بيك چیزی منتقد می شویم و بی جهت از چیزی منصرف می گردیم کار را شروع می کنیم و باخر نمی رسانیم بعلمت اینکه چون شروع بر آن بعد از فکر و تحقیق نبوده و بنائی نداشته این است که عاقلی نمی کشد و بهم می خورد

عقلا مدعی هستند که عیب ملی ایران عدم تحقیق، عدم دقت، وسستی طبیعت است و هر بلایي بسر این مملکت مظلوم می آید اگر درست فکر بکنیم از این عیوبات تلاه تولید میشود وظیفه جراید ملی و نطقات سیاسی ایران است که در تفتیح و دفع این عیوبات تلاه زحمت بکشند، آیا این همه خانه خرابی هائیکه امروز برای ملت ما روی داده است از عدم دقت و تحقیقات در سوابق امور نیست که از نکبت آنها امروز دست و پای بسته شده است؟ آیا بدون تحقیق و دقت بر امری شروع کردن و بعد ملققت شدن و دست از آن کشیدن خود مایه کسالت طبیعت و بی کاری انسان نمیشود؟

نیت خوب را در ایران همه داریم حرف خورا همه می زیم اما عمل خورا خیلی کم می کنیم هیچ ایرانی نیست که وقتی از اوقات عمر خود مصد بر تربیت اولاد خود نشود ولی چون تحقیق و دقت در اساس کار نمی کنند این است که هر چه تا حالا کرده اند بی نتیجه مانده از سیصد و چهار صد نفر شاگرد ایرانی که سالی بخارجه میروند سالا ده نفر بر نمی گردد، و باقی آنها با عادات قبیحه و عقاب غیر صحیح بعد از چندی قبل از ختم تحصیل با برادر برگشته اگر خیلی ترقی بکنند (فوقولی) می شود که عدم آمان بر وجود شان خیلی ترحیح دار همین طور است عدم فداکاری که از عیوبات ناخوشی های ملی ما شده و از محنات و نتایج عالی آن ما جهال بی نصیب هستیم

ست مزاجی

اگر يك قدری فکر بکنیم خواهیم دید که ست مزاجی در مملکت بیچاره ما از محنات ملی شده در صورتیکه از عادات رفیله و قبیحه دنیا بشمار است وقتیکه این مسائل را بخوانیم ولی فکر نکنیم اهمیتی بر آن نخواهیم داد اما اگر درست ملاحظه بکنیم و تحقیق و دقت بخرج بدهیم خواهیم دید که یکی از علل بزرگ هرج و مرج و خرابی مملکت و مایه عدم پیشرفت امور همین ست مزاجی مردم ایران است

مثلاً فرض بکنیم که فلان قانون از مجلس گذشت همینکه وزیری یا کدخدائی در اجرای آن سستی نکرد چندی نمیگذرد که او را معزول و منکوب می کنند، علت اگر بررسی جواب خواهند داد که دشمن زیاد داشت، هیچ نخواهند گفت که چرا دشمن زیاد داشت بجهت اینکه تحقیق در امورات نیست و به همین اسم که دشمن زیاد داشت بدبختی خواهند بگردند و بدبختی خواهند بگردند

دین و دین، خواهند داشت کسی اگر دهنش نفاذ
 دلیل بر بی کاری او است (بزماریک) می گوید که
 قانون را باید با گلوله توپ بکشد مردم داخل کرده
 تا این قبیل اشخاص و عقاید در ایران بیدار نشود
 و مردم فهمند که مرد دولتی را طرف همین است
 که (بزماریک) گفته و وزرا و امرای سست مزاج
 را (که بآدم خوبی است معروفند) باید خاین ملت
 و دولت دانست هیچ کار از پیش نخواهد رفت
 بی تا حال در مملکت ما فلان کار را بخاطر فلان
 شخص نکنیم، فلان آقا را نوبچانیم، ملاحظه حال فلان
 شخص را برخلاف قانون بکنیم از محضات شمرده می شد،
 امروز ورق برگشته افکار و اخلاق هم باید برگردد،
 مرد غیور و سیاسی و قابل شخصی است که در اجرای
 قوانین ابدأ ملاحظات دیگر نداشته باشد و در ادای
 وظیفه خود تنها تصور را بر خود قبیح بداند بشرطیکه
 جراید ملی و نطقان سیاسی بر خود فرض نموده و
 این نکات را با زبان مردم مردم حالی نماید و
 با آنها بگویند و بفهمانند که معنی آزادی آن نیست
 که شما بامور ادارات دولتی مداخله بکنید، اگر با
 باشد هر کس بهر کار مداخله بکند این را هرج و مرج
 می گویند بعبارت اخیری عدالت با محکمه، حکومت با
 دولت، قوانین و نظارت اجرای آنها با مجلس مقدس
 ملی، مردم ساکت و مطیع، اگر غیر از این باشد
 بدست خارجه خواهیم افتاد و اگر از وزرا و سفرا
 و امرا و حکام در داخله و خارجه غیر از این
 حرف بزنند و بگویند و یا مردم را خودشان محض
 خوشنودی آنها همه جزئیات مداخله بدهند آن ها
 در فرقه مردمان سست مزاج باید منسلک کردند
 نه در جرگه رجال دولتی و سیاسی، اگر غیر از این
 باشد یعنی هر کس بخواهد که حکومت را غیر از
 حاکم و محاکمه را غیر از عدالت خانه و قوانین و نظارت
 اجرای قوانین را غیر از مجلس مقدس ملی بکند و
 اگر افراد ملت مداخله را در امور بر خود حرام و
 حمایت را بر قوای تلافی بر خود واجب ندانند
 میشود گفت که این ملت قابل استقلال ملی نیست و
 وای بر آن روزی که این صدا را در خارجه بشنوم
 ای هوطنان عزیز به دامن عصمت مادر که
 ایران است از عدم تحقیق و دقت اسلاف مان و
 از سستی طبیعت مباشرین سابقه امور آتشی انداخته
 اند که به بهانه اطفاء آن دست خارجه بر آن رسد،
 بیدار باشید که موقع باریکی است و چاره بجز
 فداکاری ندارید، وای پروزگار ما که اگر تاریخ
 ایران در قرون آتیه شهادت بدهد که در حفظ
 عصمت مادر خود فداکاری نکردیم تا شما با اولیای
 امور خائیانانه وجود بر عدم شان بسته بر استقامت

و انهدام مشروطه شده همراهی نکنید که داخله را
 منظم کرده و در خارجه اعتباری بهم رسانند
 استقراض از خارجه بدون شرایط منحوسه ممکن
 نخواهد شد، مگر بیدارید که با این اعتبار حالیه در
 خارجه بدون ضمانت روس و انگلیس از برای ما
 قرض ممکن نیست
 نیات روس را در مسئله رحیم خان درست
 دیده و فهمیدید، اگر می خواهید دامن عصمت مادر
 تان عیال و اولاد تان و خاک وطن تان که خون و
 گوشت آباء تان است بدست خارجه نبندد لازم است
 که فرداً فرد بیدار باشید و مسلک خود تان را در
 وطن برستی با دقت و تحقیق اثبات نموده و بدون
 سست مزاجی اجری نمائید و در حفظ و اجرای
 افکار و مقاصد خودتان سرمشق بردارید از ستارخان
 و باقرخان و مجاهدین دیگر تبریز و گیلان و آذربایجان
 سرمشق بردارید از شخص مقدس ستار خان در
 راه متطر مرک بدون سستی مزاج و مصمم بر
 اجرای وظایف ملی شد با خارجه، هر از همیشه
 راه بروید و با همه مهربانی بکنید بجز تحصیل مقاصد ملی
 مقصودی نداشته باشید که تمامی خوش بختی های شما در
 همان مقصود است، فداکاری فداکاری بازم فداکاری
 تحصیل پول بدون استقراض از خارجه
 اگر واقعا مصمم بر فداکاری هستید راه نجات
 از برای شما از هر طرف باز است، مثلاً بقیه
 عمومی امروز مانی بجز بی بولی از برای پیشرفت
 امور ایران نیست چه عیب دارد که الفاظ را کنار
 گذاشته باعمال خوب بپردازیم و اگر واقعا از آنچه
 عرض شد چیزی فهمیدید فداکاری باید، کرد و در
 استقراض داخله بررار ذیل خودتان فوراً خود
 جدوجهد نمائید
 وظیفه ملی شما است که در هر شهر و قصبه
 بعد از خواندن ترتیب دیل استقراض داخله
 دسته دسته جمع شده و بدون های هوی جدا از
 انجمن های ایالتی و ولایتی پیشرفت آنرا خواسته
 و از هر طرف به مجلس مقدس ملی مزده فداکاری
 ملی را بدهید و الا اگر بنا باشد افراد ملت در
 حفظ وطن کمک نکنند وطن در خطر است! یک قرائی
 و یک تومان عمه و فله در نظر عقلا و سیاسیون
 خیلی بیشتر از یک میلیون کمک و اطانت متمولین اثر
 خواهد کرد، همین دولت روس در سال هزار و
 هشتصد و شصت و چهار مثل حالیه ایران در داخله
 بی پول و در خارجه بی اعتبار بود همین ترتیب
 ذیل پول در داخله قرض کرد و مقاصد خود را
 از پیش برد
 وقتی اسکندر دوم امپراطور روسیه در

سنه ۱۸۶۴ میلادی مملکت خود را در یک جنبش بزرگی دید و فهمید که با کمال شوق و دوق همگی حاضر فداکاری مستند و طالب ترقیات و مانی که در جلو داشتند هماغه خالی بودند خزانه و بی اعتباری دولت روس در خارج بود امراطور مشارالیه ملت خود را بیای امتحان کشیده و با آنها تکلیف فداکاری نمود ، و بانصد ملیون منات استقراض داخل از رعیت خود کرده تقریباً بشرايط و ترتیبات که در باب استقراض داخله ایران دیلاً نوشته خواهد شد

معلوم است در مقابل این نوع فداکاری ملت باید دولت هم ترتیب صحیحی در اداره کردن این امر و محل خون از برای ادای اصل و فرع آن تهیه نماید که بقبده ما در ایران ممکن است ، بدون تحقیق و دقت حرف بزیم تا سستی را در طبیعت اولیای امور قبول نکنیم

در ایران چندین محل بکرموز در دست دولت است که بوسیله عایدات آنها استقراض داخله خیل ممکن است ، قریب هفت کروور از بابت وجوهات عایدی حالیه گمرکات بعد از وضع قروض روس باقی می ماند غیر از این چندین عایدات دیگر هم از قبیل عایدات خراجخانه و اداره هفت و تلگراف و پست و مالیات و غیره در دست داریم اگر چه احتیاج باین قبیل محل ها هم نیست و اگر دولت ایران اداره صحیحی ترتیب بدهد همان اداره کردن خالصه جات دولتی خود محل بزرگی است ، مثلاً می تواند تمامی خالصه جات را در تحت اداره صحیحه در آورده و املاک آن را نزد ملت بیع گذاشته و عایدات آنها را باصل و فرع وجه استقراضی مرتباً برساند ، ولی محض اینکه مطلب درم برهم نشود و بطور روش برض انبای وطن رسد همان هفت کروور تفاوت عمل کرکات را و یا نصف و یا ثلث آنرا باندازه وجه قرض محل قرار داده و در داخله بکشد یا بجه و یا بیست بیج ملیون قرض بکنیم

ترتیب بکشد ملیون را می نویسیم تا باقی را از روی آن قیاس نمایند محض اینکه از اعلا و ادنی و از غنی و فقیر تمام ملت بتواند از فیض این فدا کاری و منافع آن بهره مند بشود باید اسهام این قرض را به ترتیبات صحیحه پنج تومانی ده تومانی و یکصد تومانی و پیکزار تومانی کرد و بهان ترتیبی که در قروض داخله خصوصاً در این قسم مواقع اغلب برای پیشرفت امر در خارجه جاری است ما هم می توانیم هائیک ترتیب را پیش بگیریم که هم عاید تشویق مردم بشود و هم بعد از بختیاری بخت بیری

کرده و باسم قرض و ضحفا و قرعه های بخت آور ، نصیب گردید

ترتیب استقراض داخله

دولت ایران قرض میکند در داخله ایران باسم (قرض داخله) بوجه یکصد ملیون و قیمت اسهام از قرار صدی بود (یعنی پورسیمی که صدقران قیمت نوشته شده بود قران پول میگیرد) این هم در صدی ده منات صاحبان پول است ، یعنی از یک طرف چون اصل وجه کتر گرفته شده است ، تنزیل صدی پنج ، در حقیقت به تنزیل صدی پنج یک و ربع بالغ میشود ، از طرف دیگر اسهام فوراً بعد از انتشار قیمت اصل خود مثلاً صدقران صدقران و یکصد تومان صد تومان رواج پیدا میکند و بفروش میرسد ، در صورتیکه فقط بود قران یا بود تومان پول داده شده است ، بدست هفتاد ساله ، سالی تخمیناً پنج ملیون منات وجه تنزیل این پول (در صورتیکه منقل سال بسال کتر خواهد شد و یک ملیون از برای وجوهات قرعه های بخت آور آن و سالی یکی از ده یک صدی هم از اصل پول ادا میکند که کاپیه آن در اول میشود هفت ملیون و چیزی بالا تقریباً در صورتیکه بتدریج آن پنج ملیون تنزیل سالی تقریباً بجه هزار فرانک کتر میشود تا در آخر بکلی تمام میگردد ، سالی یک ملیون که از برای وجوهات قرعه های بخت آور معین شده میشود هر ششاهی یک بار قرعه بکشند و هر دفعه یک قرعه ، دو بیست هزار فرانکی و یک قرعه هفتاد و بیج هزار فرانکی و سه قرعه بیست بیج هزار فرانکی و ده قرعه پنج هزار فرانکی و بیست قرعه هزار فرانکی و یکصد و شصت قرعه بانصد فرانکی ترتیب داده که هر یکی از آنها سالی دو دفعه باسی و یا به نمره یکی از اسهام استقراض که در دست اعلی و ادب است در آید ، یعنی یک شخص صاحب سهم پنج تومانی یا صد تومانی سالی دو دفعه می تواند منتظر بشود که یکی از این قرعه ها باسم خود دیده و تا قیامت شکر خدا و فداکاری را نسبت بملت بعمل بیاورد

این است ترتیب استقراض داخله و کم و زیاد کردن وجه آن ، و ترتیب جزئیاتش بشرط ملاحظه مطالب و نکات سابق الذکر بر عهده اولیای امور و منوط بر فداکاری افراد ملت است

بتوسط نامه مقدسه از تمامی جراید ملی و مناطق سلسلی و ولای مجلس مقدس استقراضی توجه و دقت باین لایحه می کنیم و توفیق همه را می خواهیم و این جریده مقدسه را خصوصاً از هر کس که در وقت مساعده

اینجا

توضیحات - وصیت

«تقداری سرمایه کارخانه آدم سازی است»
اگر اداره مرکز اتحاد و ترقی اساسی بعضی متصدین
پاریس را افشاء نمود از اقدام باین امر بملاحظه
منافع نومی ناگزیر بود

طبیعت انسان مایل بر تکامل و تناسل خلق
شده و اگر مجبوریت پیش نیاید لابد روز بروز تبیل
تر میشود بر عکس اگر ضروریات یومیه مجبور بکار
کرد کم کم تغییر حال مینماید

در قرون اخیره اگر نوع ایرانی از ترقیبات
طبیعی خود باز مانده از وفور ثقلت و تبیلی بوده
و آن همه نتیجه مزاج شاعرانه و تملقست مشرق
زمینی و سستی مزاج خود ایران است که نیک و بد
را بیشتر از دو روز در مد نظر ندارند و همین سستی
مزاج را که از اوزل عیوبیات انسانی است به تبدیل
لباس انسانیت و ترحم و عفو و اعراض مینامند و در
این قسم تخریب و تبلیس که سرمایه تبیلی و پرده
دریده نیات و اعمال منفور است بعضی ها بدبختانه
فرزند شده اند و امید همین عفو و اغماض است که
کسی را شور نه - آقب درستی در امور باقی نمانده
و هرگناهی را بیک توضیحات خارج از مطالب
پر از کلمات شاعرانه فراموش میگردند

بدذات و بد نام و منهم بشرط تعلق بهرچه
بخواست میرسد در حالیکه مافل و دوستکار دچار
به نوع مشقت شده و مضحک می گشت

ببابت اخیری چون نیک و بد را تفاوت نبود
که هرکس را طبیعت رزیزتر بود به مقصود نزدیکتر
بشد ، لهذا این تربیت خود مرئی طبایع رزیزه
کله های شاعرانه میگشت ، حالت حالیه ایران
خالی بودن میدان از آدمان درست کار و وطن
بست نتیجه ذکات فوق الذکر است

هرکس را که امروز ذره خیال حفظ وطن
نلوم در سر است وظیفه آلت که در ظاهر و
باطن عادات میشومه سابقه را بهم زده کلام مطول
و بی اساس را از صاحبان کله های پوسیده قبول نکنند
امروز روزی است که تمام حواس ما باید
بطرف نجات ملت و ترقی مملکت مطوف شود و
تمام هم خودمات را برای تربیت انبای وطن
وجستن و پیدا کردن حقیقت امور صرف نمائیم و
هیچ مطلب را بدون دلیل عقلی قبول نکنیم و به
دسایس مردمان بی تربیت که با انواع و اقسام و به
تبدیل لباس و از راههای مختلفه داخل میدان
مقصود ما میشوند فریخته نشویم ، امروز موقع
باندازه پاریس است که مردم را با ذره بین بسیار
قوی باید امتحان بکنیم و محسوروب های مضر و

مهلك را از میان آنها کنار نهم و الا اغماض الی
تقصیر آدمان بدکار در محفل ما و حضور آنها
اسباب بی اعتباری کلیه محافل و مایه عدم اطمینان
ما ها بیک دیگر است و این خود بلائی است عظیم
و مهلك

در ایران تا دو سال قبل تجزیه اشخاص خوب
از بد چون شناختن اخبار صدق از کذب در
سورت عدم مأخذ صحیح از مشکلات بود، ولی اتفاقات
اخیره تا بک درجه سنگ محک را پیش آورد و راه
تجزیه را بروی ما باز کرد ، بشرطیکه باز زوه
مشبه نشده عادات قدیمه خود و اجداد خودمان را
که سستی درکار است یاد بکنیم و دارا نشویم

عجیباست که این خاصیت رزیز را ما همیشه برای
خودمان از محسنات بقلم داده ایم و باین جهت است
که اغلب اعمال مردم بی مجازات میاید و این خود
باعث مزید جنایات میشود، آماجی که خدا می ارجم
الراحین برای هرگناهی جزائی معین فرموده است
آماجی که خدا خود از فلان گناه کبیره و عمل
شنیعه نمی گذرد ما خجالت نکشیده انماض در
آنها برای خودمان مایه افتخار و شرف قرار می
دهیم ، و حال اینکه این نیست مگر از خوف نامردانه
و رذالت طبایع و سستی مزاج ما که مایه بدبختی ها
است و الا چه طور میشود که مانع بود بالله از
خداوند تبارک و تعالی رحمان تر باشیم، بس است
تملق، بس است کله های شاعری و مطالب بی اصل
و مسائل بی دلیل ، ای هموطنان عزیز بخدا مایه
نیک بختی شما در دست شما است، اگر ظالم هست شما
دیگر خودتان مظلوم نشوید ، اگر شما را میخواهند
مشبه کنند مشبه نشوید شما در تمام پاریس بک نفر
ژابونی و چینی سهل است بک نفر حبشی پیدا می شود
که مقیم و بی کار روزگار خود را بسر ببرد و در این
مرکز علم و هنر روز را در کوچه ها و شب را
در قهوه خانا بگذرانند

در تمام فرنگ رسم است وقتی که کسی با
کسی تازه آشنا شد فوراً بیک کله تحقیق از اطراف
می فهمد که این آشنای تازه او آدم صحیح و محل
اعتبار و قابل ملاقات است یا خیر، یعنی می پرسد
که این شخص چه شغل دارد و از کجا گذران
می کند، همینکه جواب شنید که آدم بی شغل و بی کار
است فوراً می فهمد که همچون آدمی قابل مراد و
و اعتبار نیست و باید از او اجتناب کرد برعکس
در مملکت ما هیچ وقت این بک نکته را که میزان
الحوای تمام زندگان هرکس است مراعات نمی کنند
خصوصاً در خارجه که می آیند نمی پرسند که
فلان شخص ایرانی در پاریس برای چه مانده و
بچه کار مشغول است و چرا روزگار و عمر خود

را در اینجا معطل و ضایع می کند
هموطنان عزیز ما نباید این عقیده مارا که می گوئیم
که دو نفر ایرانی بی کار در یک شهری میتوانند
اسباب بد بختی یک مملکت بشوند حمل و مبالغه
فرمایند، چرا که اگر این طور نبود یعنی اگر ایرانی
های غیور از اشخاص معطل و بی کار در خارج،
جداً اجتناب می میکردند از دوستی نفر شاگرد
ایرانی که مدتی است سالی بخارج می آیند اقل
آخر سال یکصد نفر فارغ التحصیل ایران برمی گشت
و حالا ما اقل یک هزار نفر آدم تربیت شده می داشتیم
هر بیچاره جوان ایرانی که عازم فرنگ می شود
سر راه یا در محل اقامت او چند نفر از اشخاص
معلوم الحال پیدا می شوند که چون زانو می چسبند
و چون مکروب داعون و وبا برای گمراهی و هلاکت
جی کفایت می کنند

باین ملاحظات و ملاحظات زیاد بولتیک دیگر
است که ما از معرفی جی از مسدین مقیمین پاریس
ناگزیر شده و توجه انبای وطن و جراید ملی را
بطرف آنها جلب کردیم

و صیت

باسای وطن عزیز در خارج و داخله و صیت
می کنیم که از گذشته ما عبرت گرفته من حد قبل
از تحقیقات صحیح و جدی با کسی دوستی و مراد
نکند و از آلمان بی شغل باید فرار کرد
قدرتانی سرمایه کارخانه آدم سازی است
بعد از ذکر اسای مفسدین که اینک به هیچان
آمده و در پاریس کنتکاش می کنند و در صورتیکه
مامورین مرکز اتحاد و ترقی در محافل آنها است
گاهی بر شکلی است می خوانند مرکز را بی صدا
بکنند و گاهی بر ضد بعضی از محترمین و جراید
محترمه سخن میرانند و توطئه می کنند (جراید
بیدار باشند) حال لازم شد که محض ادای شکر
و اجرای شرابط حق شناسی اسای جی از ایرانیان
وطن پرست را که حقیقتاً هر یکی اندازه قوه خود
در این دو سال اخیر در فرنگ خصوصاً در پاریس
و لندن و سویس جداً در راه وطن جان فشانی
و خدمت گذاری کرده اند رای مزید امیدواری
انبای وطن ذیلا بنویسیم

مرکز اتحاد و ترقی متعز از این است که
اغلب آنها جزو وهم مملکت او است ناصر الملک ،
ممتاز السلطنه ، ممتاز الدوله ، سردار اسعد ، قی زاده ،
مرتضی خان بختیاری ، یوسف خان سالار حشمة
بختیاری ، حاجی موسی خان ، ماضد السلطنه ،
دیرالملک ، آقا میرزا صادق طباطبائی ، میرزا علی
اکبر خان دهخدا ، امیر اعظم ، اسدالله خانی

کردستانی ، میرزا محمد علی خان تربیت ، میرزا
قاسم خانیپه صور اسرافیل ، حسین آقا کاشی ،
حاجی میرزا آقا وکیل تبریز ، محمدرسلطنه ، دوکت
براون ، مستر تلیج ، (و همه اعضای محترم کومینا
لندن) شیخ حسن تبریزی مقیم لندن ، حاجی میرزا
یحیی مجتهد ، دوکت اساعیل خان ، صدق السلطنه (اسم
این شخص محترم سابق عوضی جزو مسدین نوشته
شده بود معذرت خواسته و اظهار تأسف می کنیم)
ظهير السلطان اجودان باشی ، یحیی خان (جی از
محترمین سیاسی و صاحبان قلم فرانسه که عجمتاً از
بروز اسای آنها معذور هستیم) شیخ محمد خان
قزوینی در پاریس ، مسیو لوکفره دوکت علی خان ،
مشاور الملک شارژدافر بطربورغ ، بول کتابچی خان ،
علاء الملک (در پاریس هیچ مضایقه در خدمت
نکرد) این ما اشخاصی هستیم که هر یکی را باند زنا
خود مرکز اتحاد و ترقی مستقیماً یا غیر مستقیماً بای
کار و امتحان کشیده و بعضی از آنها بپرا که تاریخ
معرفی خواهد کرد و چراغ آتیه ایران است
پهلوانان قلم زن بیدار وطن پرست می شود نامید ،
اسای بعضی از وطن پرستان دیگر را که مصدر
خدمت شده اند و با بعضی که مستعد خدمت هستند
ولی کنار بوده اند و اسای شاگردان ایرانی که
واقفاً مشغول تحصیل هستند در نای اعلان خواهیم
کرد

این اشخاص محترم را در سخت ترین مواقع
به بهترین وجه در جان نثاری دیدیم و مراتب حق
شناسی خود ما را با سلام برادرانه به همه آنها ابلاغ
کرده و توجه ملت ایران و جراید ملی را بطرف
آنها معطوف ساخته و از خداوند توفیق خدمت
برای آن جریده محترمه و خودمان منت ملت می نمایم
مرکز

جنبش غیر مترقبه چین

تلگرافات این هفته جنبش غیر مترقبه را از چین
در تصرف تبت ظاهر میدارد هر کس مسبق بتاریخ
و جغرافیاست میداند که تبت از مرحدات پلامناقتا
چین و از خشکی حد فاصل ممالک وسیع هندوستان
و چین است ، درین دوره عنودکی مانند سائر
مرحدات دور و دراز چین این سرحد هم تا در چا
علم خود سری برافراشت و همسایگان چین هم بر
حسب موقع و بلبک رفته رفته قدم فراتر نهاد ،
باسم امتیاز و اجاره در بعضی نقاط مهمه از تجاوز
همجواری باز نایستادند ، دولت روس که یک صد
سال است خواب هندوستان را می بیند یکی از حقوق
حمله برهند را طریق تبت قرار دادیم جدا درین راه
بیش قدمی میکرد ، ظاهر است که انگلیس

باسم جلوگیری روس از اقدامات تجدیدیه سیاسی از پیش قدمی درین سرحد از قبیل امتیاز و اجاره نقاط مهمه و حصول بعضی نقاط باز نیامده اند چنانچه سیگم و غیره را از راجوات تبت و جزء مقصوفات چین میدانند و دارجلینگ که بیلاف حکومت بنگال و هیجده ساعت با راه آهن تا کلکته مسافت دارد در خریطه خود می بندارد

باغهای همسایگان بسیاری از امرای و راجوات تبت یکی بعد دیگری لوی خودسری اراشته خود را از تبت مجزی داشت و ورقه ورقه حکومت تبت هم خود را از چارج مبعوض است، روسها با رئیس روحان بوده که حکمران مسلم تبت بود از سالانه دراز ساخته بود و نفوذ خود را بر شخص وی بذرایع بسیار زیاد نموده و چون رعایای روس نیز که بوده مذهب و بکثرت دو (لاسا) که پای تخت تبت است زیارت رئیس مذهبی خود می آمدند از بیهم رسوخ سیاسی روس بواسطه رعایای خویش در خاک تبت زیاد می شد و این نکته انگلیسان را بر آینده هند خیلی مشوش میداشت

همینکه در جنگ اقصای شرق روس را راجوات دست داد لاردرگزین فرمانفرمای آن دوره هند باسم کیسیون صلح کرنل (یانگ هرماند) را با هشت هزار کم یا بیش به تبت فرستاده حکومت (لاسا) که رئیس مذهبی بوده بود فرارا روسیه رفته دولت روس خیلی او را محترم داشت، دولت انگلیس دیگری را که او نیز در بوده مذهبها تا درجه مقدس شناخته می شد بحکومت برانگیخت و رسوخ و نفوذیکه روس را بسالهای دراز در آنجا حاصل شده بود بر باد داد

در معاهده روس و انگلیس که سه مسئله متنازع بیه را بخیال خود فیصل دادند یکی ایران و دیگری افغانستان و سومی تبت بود، مواد راجعه به تبت در آن عهدنامه البته به نظر آشنایان جراند هست بناگاه و بدون تمهید مقدمه دولت چین بیست و چهار قشون جرار که تعلیم یافته افسران ژاپنی و مسلمان بودند با توپخانه بوضع آلمان فرستاده در صرصه چند روز تبت را متصرف و دلایمی لایم فرارا بطرف هند آمد و حکومت هند هم او را بمهانی پذیرفته است، چنان ظاهر می شود که در اسلحه خانه چین بریاست اوستادان آلمان هشت هزار نفر شب و روز مشغول کار اند، این خبر دو تهدید همسایگان تبت و دولتین متعاهدین میدهد، یکی آنکه در باطن دست آلمان در کار

مطرف مقابلشان در ظاهر یا باطن آلمان تواند قرار گرفت، دیگر آنکه دولیکه چشم بمنافع سیاسی تبت دوخته بدانند که دولت چین در مقابله با آنها نیز حاضر است اگر مناقشه برخیزد، ورنه هشت هزار نفر شب و روز در اسلحه خانه چین کار کردن برای مقابله با دلای لایم نیست یعنی قوای او قدری محدود بود که تصور مقابله هم با لایم غیرت

این جنبش غیر مترقبه چین و سکوت مطلق و سلم خواهی دولت روس و انگلیس که دو اقلین متعاهدین تبت بودند عالی را بحیرت انداخته و آینده بسیدار مهید را برای عربیان می نمایاند و معلوم میدارد که دولت آلمان اقتدار خود را در هر نقطه باندازه زیاد کرده که به تهدیدات پلنگی بدباسهای غیر مرص رقبای خود را تهدید تواند کرد در مراکو چنان کرد و در جزیره های بانکان چین، در تبت این روش را اختیار نمود، باید متعطر بود که در ایران چه مسلك اختیار نماید، قول جراند آلمان «عاقبت اخراج قشون روس از ایران مبنی بر یک تهدید آلمان خواهد بود» افسوس که هنوز کله های با سیاست در ایران کما یافت می شود ورنه این تهدید زود تر و سهل تر بعمل می آمد امروز در عالم سیاست قائمه قشون روس در برلن و پترسبرگ و قفقاز و اسلامبول و پاریس و لندن است و حرکت دادن این قائمه باید از این مراکز بشود، حیث که دولت جدید و ناآشنایان سیاست ایران جز پاریس با اثر مراکز سیاسی اهمیت نداده نمایندگانی گذارده اند که یا میدادند و یا نمی خواهند درین موضوع اهم اقدامی نمایند و این مسئله را تا این درجه طول داده که نزدیک است ماده علیط شود

بهرجهت که تصور شود امروز خاک تبت بدون معارضه کاملاً بقبضه چین درآمد و دولتین روس و انگلیس هم بهرجهت که باشد تسلیم محض و بطرف مطلق خود را قلمداد می نمایند، قبل از واقعه ناگهانی تبت در نواح هنکانگ که سرحد چین و امروزه خاک انگلیس گشته می شود اعتشاش پیش آمده، معلوم می شود آن اعتشاش عهدی بوده برای اینکه حواس دولت انگلیس را برت نمایند در تبت و این وقعه در سخت ترین موقع انگلستان پیش آمده که منازعات داخلی نزدیک است سرورشته را از کف ارباب حل و عقد انگلستان بیرون نماید، برخی چنان می بندارند که دست روسم درین حرکت چین بوده برخلاف دولت انگلیس